

Research Paper

Semiotics of Body Language in Nezami's Haft Peykar

Sanaz Shakoory¹ , Yadollah Shokri² ¹ M.A. in Persian Language and Literature, University of Semnan, Iran² Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Semnan, Iran

10.22080/RJLS.2022.22395.1266

Received:

September 28, 2021

Accepted:

June 18, 2022

Available online:

July 6, 2022

Keywords:

Semiotics, Body language, Haft Peykar, Nezami

Abstract

Semiotics, as an emerging science, studies the signs in nature and examines their effects on the natural, social, and cultural relations between the humans. This nascent knowledge can be analyzed and studied using sciences related to the signs and the process of communication. Body language is one of the sciences that deals with communication between humans without establishing words and only through body movements. In this study, we examine a number of verses of Haft Peykar, which is a symbolic work full of signs. Haft Peykar is Nezami's masterpiece in which he uses body language and semiotics. According to the results obtained, Nezami's Haft Peykar often deals with the general movements and postures of the body which are a kind of code related to the period of composing the work and the habits of the people of that time. Studies show that nonverbal communication and semiotics, as two separate bodies of knowledge, can influence each other with many differences. In addition, by making a connection between a literary subject and two social sciences, it is possible to better understand the concept of a literary work.

***Corresponding Author:** Sanaz Shakoory**Address:** Semnan University, Iran**Email:** Sanaz.shakoory72@gmail.com**Tel:** 09195349711



Extended Abstract

1. Introduction

Semiotics, as an emerging science, studies the signs in nature and examines their effects on the natural, social, and cultural relations between the humans. This nascent knowledge can be analyzed and studied using sciences related to the signs and the process of communication. Body language is one of the sciences that deals with communication between humans without establishing words and only through body movements.

2. Research Methodology

In this study, we examine a number of verses of Haft Peykar, which is a symbolic work full of signs. Haft Peykar is Nezami's masterpiece in which he uses body language and semiotics. According to the results obtained, Nezami's Haft

Peykar often deals with the general movements and postures of the body which are a kind of code related to knowledge, can influence each other with many differences. In addition, by making a connection between a literary subject and two social sciences, it is possible to better understand the concept of a literary work.

Funding

There is no funding support.

Authors' Contribution

Authors contributed equally to the conceptualization and writing of the article.

Conflict of Interest

Authors declared no conflict of interest.

Acknowledgments

The authors acknowledge the precious comments and supports provided by Professor Yadollah Shokri.

علمی

نشانه‌شناسی زبان بدن در هفت‌پیکر نظامی

ساناز شکوری^{۱*}، بدالله شکری^۲

^۱ دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، ایران
^۲ استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان، ایران



10.22080/RJLS.2022.22395.1266

چکیده

نشانه‌شناسی به‌عنوان یک دانش جدید، علمی است که به مطالعه‌ی نشانه‌های موجود در طبیعت و بررسی نقش آنها در روابط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی میان موجودات می‌پردازد. این دانش نوپا می‌تواند با انواع علوم، به‌خصوص علوم مرتبط با نشانه و فرآیند ارتباط، تحلیل و بررسی شود. زبان بدن علمی است که به ارتباطات میان موجودات، بدون برقراری کلام و تنها از طریق حرکات بدن می‌پردازد. در این پژوهش نیز با بررسی تعدادی از ابیات هفت‌پیکر که اثری رمزی و سرشار از نشانه و شاهکار نظامی شاعر قرن ششم هجری است، براساس حرکات و حالات غیرکلامی موجود در آنها و تحلیل هریک از آنها با توجه به یکی از مباحث موجود در علم زبان بدن و نشانه‌شناسی به مطالعه و بررسی تأثیرات و نقش این دو دانش پرداخته شده است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده نظامی در هفت‌پیکر اغلب به حرکات و حالات کلی بدن پرداخته است و به سایر حرکات بدن کمترین میزان توجه را نشان داده است همچنین اغلب حرکات و حالاتی که در هفت‌پیکر بدان اشاره شده است حرکتی هستند که به نوعی رمزگان مشترک مربوط به دوران نظم هفت‌پیکر و عادات مردم آن روزگار هستند. بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد که ارتباطات غیرکلامی و نشانه‌شناسی به‌عنوان دو دانش مجزا از هم در عین تمایزات فراوان می‌توانند در هم نفوذ داشته باشند. علاوه بر این با ایجاد ارتباط میان یک مبحث ادبی و دو دانش اجتماعی نیز می‌توان به درک و دریافت بهتر مفهوم یک اثر ادبی رسید.

تاریخ دریافت:

۸ مهر ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش:

۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ انتشار:

۲۵ دی ۱۴۰۰

کلیدواژه‌ها:

نشانه‌شناسی؛ زبان بدن؛ هفت‌پیکر؛ نظامی.

هنری، علمی و... می‌توان آن را با بسیاری از علوم دیگر به صورت مرتبط و مکمل مورد بررسی قرار داد.

یکی از این علوم، دانش زبان بدن و بررسی نشانه‌های موجود در انواع حرکات و حالات بدن و دریافت پیام‌های غیرکلامی ارسال شده از جانب آن‌ها است؛ به عبارت دیگر علم زبان بدن به بررسی تمامی حالات و حرکات انسان که هریک بدون انتقال کلام و سخن، حامل معانی و پیام‌های گوناگون به مخاطب است می‌پردازد.

با توجه به اینکه براساس تحقیقات به‌عمل‌آمده، بسیاری از ارتباطات میان انسان‌ها به‌صورت غیرکلامی شکل می‌گیرد و

۱ مقدمه

۱.۱ بیان مسأله

علم نشانه‌شناسی از اوایل قرن بیستم توسط محققان و پژوهشگران این دانش، پا به عرصه‌ی پهنای مطالعات و تحقیقات درباره‌ی انواع پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی گذاشته است. این دانش با مفاهیم مورد نظر خود سعی در شناخت نشانه‌های موجود در جهان و مطالعه‌ی فرآیند معناسازی توسط آن‌ها دارد. با توجه به فراگیری این دانش در همه‌ی حوزه‌های

* نویسنده مسئول: ساناز شکوری

آدرس: سمنان، دانشگاه سمنان، زبان و ادبیات فارسی، ایران

ایمیل: sanaz.shakoory72@gmail.com

تلفن: ۰۲۱۵۶۷۵۹۵۳۹

۲ مبانی نظری پژوهش

۲،۱ نشانه، نشانه‌شناسی و عناصر آن

نشانه در واقع چیزی است که جانشین چیز دیگری می‌شود و باتوجه به رابطه‌ای که با آن چیز می‌سازد دلالت‌هایی را ایجاد می‌کند.

سنت فلسفی که در یونان از تفسیر نشانه‌ها بحث می‌کرد عملاً با ارسطو آغاز شد و با سکتوس امپریکوس پایان یافت (قلمی‌نیا، ۱۳۸۵: ۵).^۱

از جمله کسانی که پیش از آغاز نشانه‌شناسی به‌عنوان یک رشته‌ی علمی و یک حوزه‌ی مستقل اندیشه‌ی بشری، آرای را مطرح کردند می‌توان از افلاطون، ارسطو، فیلسوفان رواقی، قدیس آگوستین^۲ و جان لاک^۳ نام برد. آرای افلاطون (۳۴۷-۴۲۷م) در کتاب کراتیلوس، درباره‌ی رابطه‌ی طبیعی یا وضعی میان واژه و معنای آن و نظریات ارسطو (۳۸۴-۳۲۲م) در منطق، بلاغت و فن شعر را شاید بتوان نخستین نمود تأملات نشانه‌شناختی دانست. رواقیون با صورت‌بندی و تدوین منطق گزاره‌ها، نظام‌های نشانه‌شناختی پیش‌رفته‌ای را پیریزی کردند. قدیس آگوستین (۳۰۴-۳۵۴م) هم، آموزه‌ی نشانه‌شناختی خود را از طریق تلفیق اندیشه‌های پیشین، درباره‌ی نشانه و تفکرات زمان خود طراحی کرد و به‌شدت بر فلسفه‌ی زبان دوران متأخر سده‌های میانه تأثیر گذاشت (روان، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۴).^۴

خاستگاه نشانه‌شناسی را می‌توان در نوشته‌های دو نظریه‌پرداز یافت که بنیان‌گذاران این دانش محسوب می‌شوند: چارلز سندرس پیرس^۵ (۱۸۳۹-۱۹۱۴)، فیلسوف پراگماتیک آمریکایی و فردینان دوسوسور^۶ (۱۹۱۳-۱۸۵۷)، زبان‌شناس سوئیسی، دو متفکر مرجع در زمینه‌ی نشانه‌شناسی معاصر محسوب می‌شوند.

در نظر سوسور، زبان فقط یکی از چند نظام نشانه‌شناختی بود اما زبان این نقش ممتاز را داشت که نه فقط به منزله‌ی یکی از پیچیده‌ترین و فیزیکی‌ترین نظام‌های بیانی بلکه به‌عنوان شاخص‌ترین آن‌ها نیز به کار رود. متقابلاً زبان‌شناسی نیز الگوی کلی تمام شاخه‌های نشانه‌شناسی به حساب می‌آید. در همین حال تحقیقات فلسفی پیرس به خصوص پرداختن به نمادها که او خود، آن‌ها را تار و پود کل تفکر و پژوهش علمی به حساب می‌آورد، وی را در مسیری قرار داد که او خود، آن را نشانه‌شناسی خواند. نوشته‌های پیرس نیز مثل آثار سوسور پس

همچنین اثبات این موضوع که به دلیل غیر ارادی و ناآگاهانه‌بودن بسیاری از این حرکات و حالات بدن، این حرکات و رفتار صادقانه‌تر از زبان گفتار هستند در نتیجه می‌توان چنین گفت که ارتباطات غیرکلامی به مراتب اهمیت و تأثیر فراوان‌تری نسبت به ارتباطات کلامی در روابط میان‌فردی دارا می‌باشند.

در مقاله‌ی حاضر سعی بر آن است که بتوان ابتدا مبانی و نظریات ارائه‌شده توسط محققان علوم نشانه‌شناسی و زبان بدن را مورد مطالعه قرار داد و سپس با به‌کارگیری این دو دانش (نشانه‌شناسی و زبان بدن) به طور هم‌زمان و همچنین بررسی یک اثر ادبی کلاسیک همچون *هفت‌پیکر* که به جرأت می‌توان ادعا کرد یکی از آثاری است که سراسر نشانه و رمز و نماد است، از چشم‌انداز نشانه و ارتباط غیرکلامی بتوان به اصول و قوانین این علوم و همچنین مفاهیم، زیبایی‌ها و نکات ادبی موجود در این شاهکار نظامی پی برد.

در این پژوهش به بررسی ابیاتی از *هفت‌پیکر* پرداخته می‌شود که در آن‌ها حرکات و حالات بدن به‌گونه‌ای غیرکلامی، حامل پیام‌هایی متفاوت به مخاطب می‌باشند. در واقع این ابیات با مصادیق زبان بدن و نشانه‌شناسی که به نحوی به آن مرتبط می‌باشند و در بخش مبانی نظری مقاله‌ی حاضر بدان اشاره شده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱،۲ پرسش پژوهش

در این پژوهش به این پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا می‌توان اصول و قوانین نشانه‌شناسی و ارتباطات غیرکلامی را به‌عنوان دو رویکرد جدید و به‌صورت هم‌زمان در یک اثر ادبی کلاسیک مورد بررسی قرار داد؟

۱،۳ روش پژوهش

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات نیز فیش‌برداری و تحلیل اطلاعات است.

۱،۴ پیشینه‌ی پژوهش

تحقیقات فراوانی همچون، تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی، بررسی نظام نشانه‌های ارتباطات در هوانوردی، بررسی دلالت‌های مفهومی - بلاغی زبان چشم در نهج‌البلاغه، تأثیر ارتباطات غیرکلامی در روابط میان‌فردی، تحلیل ارتباطات غیرکلامی در بوستان سعدی، در زمینه‌ی نشانه‌شناسی و زبان بدن به صورت مجزا انجام شده است؛ اما این تحقیقات به ارتباط و تأثیر هم‌زمان و دوجانبه‌ی نشانه‌شناسی و ارتباطات غیرکلامی نپرداخته‌اند. بنابراین با توجه به اینکه تاکنون تحقیقاتی در زمینه‌ی علم نشانه و زبان بدن به‌طور هم‌زمان بر روی یک اثر ادبی صورت نگرفته است، امید است که تحقیق پیش رو بتواند تا حدودی برخی ابهامات و سوالات موجود در زمینه‌ی به‌کارگیری این دو دانش را برطرف نماید و به انجام تحقیقات مرتبط با این پژوهش یاری رساند.

⁴ Ravan, 2010: 14 and 15

⁵ Charles Sanders Peirce

⁶ Ferdinand de Saussure

¹ Ghaemi Nia, : 2006: 5

² Saint Augustinus

³ John Locke

پس هدف عمده‌ی نشانه‌شناسی، تولید و دریافت نشانه‌هایی است که در فضاها‌ی انسانی و غیرانسانی رخ می‌دهد.

۲،۱،۱ دال و مدلول و دلالت

دال و مدلول به تعبیر سوسور، اصطلاحاتی هستند که نشانه حاصل پیوند آن‌هاست. به عبارت دیگر، یک تصور (دال) و یک مفهوم و معنا (مدلول) زمینه‌ساز شکل‌گیری یک پدیده به نام نشانه می‌شوند.

دال‌ها سطح بیان (صورت و فرم) را تشکیل می‌دهند و مدلول‌ها سطح محتوا و ماده را می‌سازند. دال‌ها آن نشانه‌هایی هستند که می‌گوییم یا می‌نویسیم. به تعبیر سوسور تصور آوایی که ما از صوت در ذهن داریم دال است.

همچنین ما یک تصور معنایی از پدیده‌ها در جهان خارج داریم که آن مدلول نامیده می‌شود. در واقع مدلول آن مفهومی است که دال به آن دلالت می‌کند.

نسبت میان دال و مدلول، دلالت است. در واقع دلالت، یک شیء نیست بلکه یک رابطه و نسبت است. به‌عنوان مثال رابطه‌ی بین دود و آتش یک نوع دلالت است به گونه‌ای که ما با دیدن دود با توجه به تصویر ذهنی که از آن داریم به وجود آتش پی می‌بریم.

به طور کلی دلالت به دو دسته طبقه‌بندی می‌شود:

دلالت طبیعی؛ مانند دلالت دود بر آتش

دلالت قراردادی؛ مانند دلالت واژه بر معنی

۲،۱،۲ رومعنا (دلالت صریح) و زیرمعنا (دلالت ضمنی)

معنای صریح در واقع کاربرد زبان برای نشان‌دادن آنچه که به بیان درمی‌آید است ولی معنای ضمنی هر آن چیزی است که گفته نمی‌شود و به بیان در نمی‌آید. بنابراین، معنای ضمنی به بخش زیبایی‌شناسی زبان نیز مربوط می‌باشد. پس هر واژه علاوه بر معنای تحت‌اللفظی و لغوی (معنای صریح) معنای ضمنی نیز ممکن است داشته باشد.

دلالت صریح متشکل از یک دال و یک مدلول می‌باشد اما دلالت ضمنی از دلالت صریح و مدلول تشکیل می‌شود. به عبارت دیگر در دلالت ضمنی یک دال و مدلول با هم دال نشانه را به وجود می‌آورند.

بارت به الگوی سه وجهی دال و مدلول و نشانه اشاره می‌کند. وی اسطوره را نظام دلالت ضمنی می‌داند. در واقع دلالت صریح مرتبه‌ای است که اسطوره آن را به کار می‌گیرد تا نظام نشانه‌ای خود را بنا سازد بعد آن نظام اول تبدیل به دال می‌شود؛ به عبارت دیگر اسطوره زبان دوم است که در آن از زبان اول سخن گفته می‌شود (بارت، ۱۳۸۰: ۹۱).^۷

از مرگش در خلال سال‌های ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۵ جمع‌آوری و منتشر شد (استم و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۸ - ۲۷).^۱

رولان بارت^۲ (۱۹۱۵-۱۹۸۰) یکی از مهم‌ترین متفکران و منتقدان ادبی در قرن بیستم بود که همواره در جستارهای خود و نظریه‌پردازی فرهنگی، بر اهمیت نشانه‌شناسی تأکید می‌کرد. بارت در اسطوره‌شناسی، بینش‌های انفرادی بسیاری را توضیح می‌دهد؛ ولی برنامه‌ی عظیم علمی در عناصر نشانه‌شناسی و نظام مد مطرح می‌شود. موضوع آثار بارت گوناگون بود: ادبیات، موسیقی، پوشاک، مسائل روزمره و اجتماعی، عکاسی، سینما، نقاشی، گرافیک و...؛ اما یک نقطه همواره در آثارش نقطه‌ی مرکزی محسوب می‌شد. هدفش نه کشف حقیقت پنهان در آثار، بلکه شناخت زبان آن‌ها بود. او در پی کشف معانی نبود و می‌خواست قاعده‌های معنایی را کشف کند یعنی امکاناتی که زبان برای معنا به وجود می‌آورد و موضوع نقد ادبی نیز کشف زبان است. نکته‌ی اصلی نه پیام بلکه رمزگان است (احمدی، ۱۳۷۰: ۲۱۶؛ به نقل از رضایی مهور، ۱۳۸۷: ۵).^۳

نشانه توسط چیز دیگری غیر از خودش یعنی توسط موضوع و همچنین توسط باز نمودی که به صورت بالقوه یا بالفعل در ذهن خلق می‌شود قابل شناسایی است. باز نمود، در ذهن مفسر به صورت با واسطه و از طریق موضوع تعیین می‌شود. موضوع، چیزی است که توسط نشانه خلق می‌شود. کسی که می‌گوید ناپلئون مردی خسته بود؛ ناپلئون، موضوعی است که توسط نشانه‌ی ناپلئون {واژه‌ی ناپلئون} در ذهن او خلق می‌شود و گرنه ذهن او نمی‌توانست به ناپلئون منتقل شود. این موضوع، درباره‌ی همه‌ی نشانه‌ها صدق می‌کند (مهرگان، ۱۳۹۲: ۴۲).^۴

بنا به تعریف کلاسیک اکو، نشانه‌شناسی، دانش یا رهیافتی است که موضوعش هر آن چیزی است که بر مبنای عرف یا قراردادهای اجتماعی از پیش تثبیت شده می‌تواند جانشین یا باز نمای چیز دیگری باشد (سرفراز، ۱۳۹۲: ۴۸).^۵

ما پیوسته در حال تولید و تفسیر نشانه‌ها و رمزگان‌هاییم. حتی اگر کسی هم قصد برقراری ارتباط نداشته باشد، فرآیندهای نشانه‌ای همواره کار خود را می‌کنند: پزشک، نشانگان بیماری را تفسیر می‌کند؛ سگ، ردپایی را دنبال می‌کند و حضور دزد، آژیری را به صدا درمی‌آورد. نشانه‌شناسی، ساختارهای مشترک این فرآیندها را بررسی می‌کند. دامنه‌ی آن از حوزه‌ی پدیدارهای فرهنگی فراتر می‌رود و کنش متقابل حیوان‌ها، کنش جهت‌یابی و ادراک همه‌ی موجودات زنده، فرآیندهای انگیزش _ پاسخ در حیوانات و گیاهان، حتی سوخت‌وساز ارگانسیم‌ها و فرآیندهای اطلاعاتی ماشینی‌الات را نیز در بر می‌گیرد (نجومیان، ۱۳۹۵: ۳۱).^۶

⁴ Mehregan, 2013: 42

⁵ Sarfaraz, 2013: 48

⁶ Nojomian, 2016: 31

⁷ Bart, 2001: 91

¹ Stem and others, 2004: 27 and 28

² Roland Gérard Barthes

³ Ahmadi, 1991: 216; Quoted from Rezaei Mahvar, 2008: 5

۲،۲ نشانه‌شناسی سوسور و پیرس

همان‌طور که گفته شد فردینان دوسوسور از بنیان‌گذاران نشانه‌شناسی معاصر محسوب می‌شود. وی که از پایه‌گذاران زبان‌شناسی ساخت‌گرا در نظریه‌ی ادبی است نشانه‌شناسی را عمیقاً با زبان‌شناسی پیوند می‌دهد و واژه‌ی سمیولوژی برای نشان دادن نشانه‌شناسی سوسور به کار می‌رود.

سوسور معتقد است که نشانه از دو وجه یا قسمت تشکیل شده است:

۱- دال، همان تصور صوتی است که ما در ذهن داریم.

۲- مدلول، تصویری که ما از مفهوم یک چیز در ذهن داریم. مفهومی که دال به آن دلالت می‌کند.

سوسور نشانه را حاصل پیوند این دو بخش می‌داند. وی همچنین رابطه‌ی میان این دو پدیده را دلالت می‌نامد.

یکی از موضوعاتی که در نشانه‌شناسی پیرس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است روابطی است که میان بازنمود و موضوع (ابژه) برقرار است که پیرس آن‌ها را به سه دسته (رابطه‌ی شمایی، رابطه‌ی نمایه‌ای و رابطه‌ی نمادین) طبقه‌بندی کرده است.

۲،۳ رمزگان

منظور از رمزگان، اشتراکات فرهنگی و تاریخی است که در میان گروهی از انسان‌ها و جوامع وجود دارد و این براساس تجربه‌ای است که این انسان‌ها با زندگی در فضاها و فرهنگ‌های مختلف از جهان اطراف خود به دست آورده‌اند. به عبارتی انسان‌ها برای ارتباط با یکدیگر باید دارای مجموعه‌ای از دانش و اشتراکات جمعی باشند. به‌عنوان مثال آیین عزاداری در یک منطقه به گونه‌ای است که مردم آن منطقه با یکدیگر در آن مشترک هستند.

رمزگان‌ها ابتدا به رمزگان زبانی و غیرزبانی تقسیم می‌شوند. زبان مهم‌ترین و پیچیده‌ترین رمزگان است؛ زیرا همه‌ی رمزگان‌های دیگر، از جمله رمزگان‌های آداب، پوشاک، غذا، رفتار، اطوار و اشارات، نظام‌های حرکتی و فواصل و... به‌واسطه‌ی زبان و از طریق انبوهی روایات و حکایات انباشته‌شده در فرهنگ، قابل توصیف و بیان هستند (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۱).^۱

باتوجه به مطالب عنوان شده‌ی فوق، نشانه چیزی است که به چیزی دیگر اشاره دارد و نشانه‌شناسی دانشی است که توسط عناصری همچون، دال، مدلول، دلالت، رومعنا و زیرمعنا، رمزگان و... به بررسی معنا و مفهوم نشانه‌ها در قالب ارتباطات کلامی و غیرکلامی می‌پردازد.

۲،۴ زبان بدن (ارتباطات غیرکلامی)

هر انسانی به روش خاص خود با دیگری ارتباط برقرار می‌کند. درواقع ارتباط، ویژگی منحصربه‌فرد انسان‌هاست و

فرآیندی است که طی آن، یک مفهوم از ذهن یک شخص به ذهن شخص دیگر به‌وسیله‌ی پیام‌های کلامی و غیرکلامی منتقل می‌شود. به عبارت دیگر، انسان‌ها با سخن گفتن و گفت‌وگو با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و اصولاً ارتباط میان انسان‌ها بر پایه‌ی گفتار است؛ اما اگر ارتباطات انسان‌ها را به طور دقیق و کامل مورد بررسی قرار دهیم طیف عظیمی از این ارتباطات، براساس علائمی غیر از این واج‌ها و آواها شکل می‌گیرد. این علائم، شامل آهنگ صدا، ایما، اشاره و سایر علائم غیرکلامی است و ارتباطات شکل گرفته براساس این علائم، ارتباطات غیرکلامی یا همان زبان بدن می‌باشد.

اصطلاح ارتباطات غیرکلامی، طی نیم قرن گذشته در ادبیات نظری مطالعات ارتباطی، جایگاهی خاص پیدا کرده است. هر چند زیربنای این واژه، ریشه‌ی عمیقی در فلسفه‌ی تاریخ کلاسیک، مطالعه‌ی رفتار بیان‌گر، زیبایی‌شناسی تجربی، نشانه‌شناسی و حوزه‌ی علم نشانه‌ها، زبان‌شناسی، ادراک شخصی، رفتار حیوانی و... دارد. رفتارهای بیان‌گر در آغاز، توجه فیلسوفان یونانی را به خود جلب کرد از جمله ارسطو که مؤثرترین شیوه‌ی تحلیل و بررسی‌های او تحت عناوین چهره‌شناسی، تاریخ رفتار حیوانات، زندگی طبیعی و ماهیت پروا به ثبت رسیده است (پی، جیمز سی، کروسکی ۱۳۸۸: ۲۵).

شگفت‌انگیز است که در طی یک میلیون سال، تکامل انسان (و یا بیشتر) جنبه‌های غیرکلامی ارتباطات، فقط از دهه‌ی ۱۹۶۰ فعالانه مورد مطالعه قرار گرفته است و مردم فقط زمانی متوجه آن شدند که جولوس فست^۳ کتابی در مورد زبان حرکات در سال ۱۹۷۰ منتشر ساخت. این کتاب چکیده‌ای از یافته‌های دانشمندان رفتارگرا در مورد ارتباطات غیرکلامی تا آن زمان است. حتی امروزه نیز بیشتر مردم هنوز نسبت به وجود زبان بدن بی‌اعتنا هستند چه برسد به اهمیت آن در زندگی‌شان (پی، ۱۳۸۹: ۱).^۴

۲،۴،۱ ظاهر فیزیکی

نوع لباس پوشیدن ما (رنگ، پارچه و...) اطلاعات بسیاری را از ویژگی و شخصیت‌مان به دیگران منتقل می‌کند. درواقع بسیاری از ما حتی برای نشان‌دادن چیزی که نیستیم ولی می‌خواهیم که دیگران درباره‌ی ما آن‌گونه قضاوت کنند هم از وضع ظاهری و نوع پوشش خود کمک می‌گیریم. حتی برای به دست آوردن موقعیت‌های گوناگون (مثلاً برای یک مصاحبه‌ی کاری و...) نیز نوع پوشش خود را مد نظر قرار می‌دهیم. با این حال، گاهی هم معانی که از طریق وضع ظاهر ما منتقل می‌شود کاملاً ناآگاهانه است. درواقع افراد، خود متوجه نمی‌شوند که لباس آن‌ها پیام و معنای خاصی را به دیگران می‌رساند.

این ارتباطات غیرکلامی که از طریق ظاهر فیزیکی منتقل می‌شود در همه‌ی حوزه‌های علوم گوناگون از جمله ادبیات کاربرد گسترده‌ای دارد.

³ Julius fast

⁴ Pease, 2010: 1

¹ Sujudi, 2008: 151

² P., James C., Krosky 2009: 25

حرکت دست دیده می‌شود. حرکت اول، اشاره‌ی دست سلطان برای فراخواندن علی قریب به سوی خود و دال بر جایگاه بالای سیاسی علی قریب و احترام و توجه ویژه‌ی سلطان به اوست. حرکت دوم دست سلطان، پیش‌آوردن دست برای بوسیدن است که نشانه‌ی لیاقت و درجه‌ی علی قریب می‌باشد. در هر دو حرکت مذکور، فرادستی سلطان و بزرگ منشی او به‌خوبی مشهود است (باقری، زلیکانی، ۱۳۹۴: ۹۲).^۴

محققان معتقدند هرچه فاصله‌ی هر یک از اندام‌های بدن از مغز بیشتر باشد به همان میزان، حرکات آن‌ها ناخودآگاهانه است. در واقع میزان آگاهی و کنترل افراد روی حرکات هر یک از اعضای چهره به مراتب بیشتر از دست‌ها و همین‌طور میزان آگاهی از حرکات دست بیشتر از حرکات پاها می‌باشد. به عبارت دیگر کنترل ما بر روی حرکات پا بسیار کمتر از سایر اعضای بدن است.

۲،۴،۳ رفتار چهره

اولین عضوی که حالات و احساسات ما را منتقل می‌کند چهره است. به عبارت دیگر در انتقال پیام‌های غیرکلامی، چهره‌ی انسان، موفق‌ترین و مهم‌ترین بخش و عضو بدن می‌باشد؛ زیرا حالات چهره، ما را از کتمان حقایق باز می‌دارد و این به دلیل ناهماهنگی است که میان حرکات بدن و علائم چهره‌ی ما وجود دارد.

این گونه‌گونی چهره در ادبیات و آثار شاعران به‌نام نیز به خوبی قابل مشاهده است. مثلاً مولانا در قصه‌ی شیر و خرگوش می‌فرماید:

رنگ و رویم را نمی‌بینی چو زر ز اندرون، خود می‌دهد رنگم خیر

البته ممکن است بیش از آنچه به زبان بدن ارتباط داشته باشد با سمبولوژی (نشانه‌شناسی)، شرح حال‌گیری، پرسش از احوال بیمار) ارتباط پیدا کند (فرهنگی و فرجی، ۱۳۸۸: ۴۴۰).^۵

چشم‌ها آشکارترین و دقیق‌ترین علائم ارتباطی هستند؛ زیرا آن‌ها نقاط کانونی بدن هستند و مردمک چشم‌ها مستقل عمل می‌کنند. چشم‌ها می‌توانند برای بیان همدردی، لذت، عصبانیت، ابراز علاقه و توجه، صمیمیت، تأیید، سلطه و... استفاده شوند. حتی بزرگ و کوچک‌شدن مردمک چشم‌ها می‌تواند پیام‌هایی از قبیل خشم، علاقه‌مندی یا دروغ را منتقل کنند (عطاشی، عموری، ۱۳۹۶: ۱۵۰).^۶

در اوایل قرن نوزدهم میلادی برای اولین بار، دوشن د - بولون^۷ بر موضوع لبخند، مطالعاتی را با استفاده از دستگاه‌های تشخیص الکتریکی و محرک برقی انجام داد و سعی کرد میان لبخند غیرواقعی و خنده تفاوت قائل شود. او سر افرادی را که با گیوتین قطع شده بود بررسی کرد تا ببیند عضلات صورت

در بوستان سعدی گروهی از انسان‌ها وجود دارند که به قول سعدی «تنی محتشم در لباسی حقیر» هستند. این گروه که معمولاً از آن‌ها با نام صاحب‌دلان یاد می‌شود افرادی هستند که یا واقعاً اهل سیر و سلوک‌اند یا اینکه فقط به آن کار تظاهر می‌کنند. این افراد عبا می‌پوشند که گاهی بسیار کهنه و مندرس است. قبا نوعی دیگر از پوشیدنی‌ها بوده که افراد محتشم و وابستگان پادشاه بسته به شأن و مقامشان جنس‌های گوناگون آن را می‌پوشیدند؛ مثلاً کسی می‌توانست جنس قبایش را از حریر یا اطلس انتخاب کند و آن طور که از سخنان سعدی برمی‌آید میان این لباس از نوعی حشو آکنده بوده است: قبا گر حریر است و گر پرنیان به ناچار حشوش بود در میان (سعدی، ۱۳۸۱: ۳۷) (نیکدار اصل، احمدیانی پی، ۱۳۹۵: ۲۰۰ و ۲۰۱).^۱

۲،۴،۲ حرکات سر، دست و پا

موجودات، هنگام برقراری ارتباط با یکدیگر بیشتر حرکات سر را به‌عنوان عضو اصلی بدن مد نظر قرار می‌دهند. یکی از اولین کسانی که از حرکات سر موجودات به علاقه‌مندی و نفرت آن‌ها در زمینه‌ی خاصی پی برد چارلز داروین^۲ بود. در واقع سر تکان‌دادن به نشانه‌ی تأیید و عدم تأیید، دو حرکت سر است که بیشترین کاربرد را میان موجودات دارد.

در متون کهن و ادبی نیز حرکات سر معانی خاصی را در بر می‌گیرد. مثلاً در تاریخ بیهقی، نویسنده، واکنش خردمندان در مقابل ادعاهای بوسهل را چنین توصیف می‌کند: «و خردمندان دانستندی که نه چنان است و سری می‌جنبانیدندی و پوشیده خنده می‌زدندی که وی گزاف گوی است» (بیهقی، ۱۳۸۸: ۲۲۷).^۳

حرکات سر خردمندان نشانه‌ی تأیید سخنان بوسهل نیست بلکه از روی تأسّف و برای تمسخر اوست. در اینجا بیهقی نمی‌گوید خردمندان سر می‌جنبانند او می‌گوید خردمندان سری می‌جنبانیدندی. سر جنبانیدن نشانه‌ی تأیید است اما سری جنبانیدن تأییدی است که در آن نوعی اجبار و بی‌میلی و عدم تأیید و پذیرش هست (باقری و زلیکانی، ۱۳۹۴: ۹۰؛ به نقل از محمدی، ۱۳۸۴: ۵۱).^۲

با توجه به تحقیقات دانشمندان، میان دست و مغز انسان بیش از نقاط دیگر بدن ارتباط عصبی وجود دارد. بنابراین؛ حرکات دست، اطلاعات زیادی را به مغز منتقل می‌کند. این در حالی است که حرکات دست در هنگام حرف زدن نسبت به سایر حرکات بدن کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

حرکات و اشارات دست در سیاست نیز می‌تواند جایگزین کلام شود و بر اساس نوع حرکات، پیام‌های متفاوتی را منتقل کند. برای نمونه در تاریخ بیهقی هنگامی که علی قریب وارد مجلس شد «سلطان دست برآورد و او را پیش خواند و دست او را داد تا ببوسد» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۴۶). در اینجا دو

⁴ Bagheri, Zelikani, 2015: 92

⁵ Farhangi and Faraji, 2009: 440

⁶ Atashi, Amori, 2017: 150

⁷ Duchenne de_ Boulogne

¹ Nikdar Asl, Ahmadiani Pi, 2016: 200 and 201

² Charles Darwin

³ Bagheri and Zelikani, 2015: 90; Quoted from Mohammadi, 2005: 51

بدین‌ترتیب و براساس آنچه گفته شد هفت‌پیکر یکی از آثاری است که سرشار از رمز و نشانه و ویژگی‌های نشانه‌شناسی است و از آنجا که رمز و نشانه در ارتباط با یکدیگر هستند نظامی نیز در بسیاری از ابیات این اثر به نشانه‌های موجود در نظام آفرینش پرداخته است.

در ادامه‌ی این مبحث، با توجه به دو علم نشانه‌شناسی و زبان بدن، حرکات و حالات بدن که در هفت‌پیکر هر یک به صورت غیرکلامی منتقل‌کننده‌ی پیام می‌باشند و حامل معنا و نشانه‌ی مخصوص به خود هستند مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۳،۱ ظاهر فیزیکی

پوشیدن دلُق که نوعی جامه‌ی صوفیانه و در واقع لباسی مندرس و بی‌ارزش بوده یکی از مصادیق زبان اشیا است که در بیت زیر بدان اشاره می‌شود. صوفیان با پوشیدن این جامه نهایت خضوع و فروتنی و همچنین پرهیزگاری و نیکوخصالی خود را به صورت غیرکلامی به دیگران منتقل می‌کردند.

تا مگر دلُق‌پوشی جسم

طلق ریزد بر آتش حسدم (همان: ۵۰)

در بیت فوق شاعر خود نیز اشاره می‌کند که با پوشیدن دلُق می‌توان تمام تمایلات و خصیصه‌های بد انسانی را از وجود خود پاک کرد.

در مقابل، جامه‌ی مرقع که لباسی گران‌بها و ارزشمند و پوشیدن آن توسط صوفیه به معنای توجه به تجملات و دنیاپرستی است:

گر سگی خود بود مرقع‌پوش

سگدلی را کجا کند فرموش (همان: ۴۱)

بنابراین در ابیات فوق، با توجه به مبحث نشانه‌شناسی و طبقه‌بندی پیرس، از آنجایی که میان موضوع (فروتنی و پرهیزگاری/تجملات و دنیاپرستی) و باز نمود (پوشیدن دلُق و مرقع) نوعی قرارداد و قاعده برقرار است می‌توان رابطه‌ی میان موضوع و باز نمود را رابطه‌ی نمادین قلمداد کرد.

در بیت زیر، نظامی به یکی دیگر از مصادیق زبان اشیا یعنی لباس و پوشاک اشاره می‌کند. در واقع از قدیم‌الایام رسم بر این بوده است که انسان‌ها در روزهای خوشی و اعیاد رخت نو بر تن می‌کردند. بنابراین جامه‌ی نو بر تن کردن در ایام خوشی دارای معنایی خاص در میان انسان‌ها و به‌عنوان یک آداب و آیین و در نتیجه به‌عنوان یک رمزگان در میان جوامع و انسان‌ها مشترک می‌باشد:

کاین فسون را که جنی‌آموز است

جامه نو کن که فصل نوروز است (همان: ۱۹)

همچنین براساس طبقه‌بندی چندلر، می‌توان این رمزگان را جزیی از رمزگان کالایی و زیرمجموعه‌ی رمزگان اجتماعی

چطور کار می‌کنند. او عضلات صورت را از زوایای مختلف کشید و این را که کدام عضلات، کدام لبخند را ایجاد می‌کنند، ثبت کرد. او در مطالعات خود کشف کرد که لبخندها توسط دو رشته عضلات کنترل می‌شوند: عضلات زیگوماتیک ماجور که در امتداد کنار چهره قرار دارند و گوشه‌های دهان را به هم متصل می‌کنند و عضلات اریکولاریس اکولی، که چشم‌ها را به عقب می‌کشند و آن‌ها را تنگتر می‌کنند (پیز، ۱۳۹۱: ۶۵).

با توجه به تحقیقات محققان، عضلات زیگوماتیک ماجور به صورت آگاهانه کنترل می‌شوند. بنابراین می‌توان این عضلات را زمانی که می‌خواهیم تظاهر به لبخند کنیم به کار ببریم. در مقابل، عضلات اریکولاریس اکولی نشانه‌ی لبخند واقعی افراد است. بر این اساس هنگام لبخند دروغین فقط عضلات کنار دهان تغییر می‌کنند اما هنگامی که فرد لبخند واقعی می‌زند علاوه بر عضلات کنار دهان عضلات اطراف چشم نیز تغییر می‌کند و خطوطی در کنار چشم فرد ایجاد می‌شود.

۲،۴،۴ رفتار آوایی

مطالعه‌ی رفتار آوایی، پیرایان با ارتباطات آوایی نامیده می‌شود. ما اغلب از طریق نشانه‌های آوایی مفهوم واقعی کلام دیگران را متوجه می‌شویم. در واقع نحوه‌ی بیان، تأثیر بسیاری در فهم کلام مخاطب دارد.

درجه‌ی بلندی و کوتاهی صدای انسان‌ها خیلی بیشتر از کلمات، بیان مفهوم می‌کند. لحن کلام نیز معنی کلمات را دگرگون می‌سازد و ممکن است تغییر لحن باعث انتقال کلمات طعنه‌آمیز باشد و حتی برخلاف آنچه را که گوینده مایل است توسط شنونده برداشت شود ممکن است استنباط گردد. مثلاً کسی از روی ادب بگوید: «خدمت خواهم رسید» و شنونده ممکن است چنین استنباط کند که منظور وی از خدمت رسیدن، تنبیه یا توبیخ و سرزنش باشد (مجدنیا، ۱۳۹۳: ۱۷۱).

هفت‌پیکر نظامی با آن هفت قصه‌ی شگفت‌انگیز، نفس‌گیر و پرماجرا که لعبتان هفت گنبد برای شاه نقل می‌کنند خیال‌انگیزترین و پررنگ و نگارترین منظومه از پنج گنج وی به شمار می‌آید. شاعر در ترکیب قصه‌ی خویش، غیر از شاهنامه که از بازگفت قصه‌های آن به‌عمد خودداری کرد از روایات دیگر و از جمله روایات نانوخته نیز بهره برد (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۱۴۴).

بنابراین با توجه به هنرنمایی نظامی در هفت‌پیکر، در مقاله‌ی حاضر این اثر کلاسیک مورد بررسی قرار گرفته است.

۳ روش پژوهش

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات نیز فیش‌برداری و تحلیل اطلاعات است. یافته‌ها و بحث

³ zarrinkoob, 1993: 144

¹ Pease, 2012: 65

² Majdnia, 2014: 171

می‌دهند. "رنگ رخساره خیر می‌دهد از سر درون" با توجه به این ضرب‌المثل فارسی رنگ چهره بیانگر بسیاری از حالات آدمی از جمله ترس، خشم و... است. به‌عنوان مثال سرخ‌شدن چهره حالتی است که هنگام بروز بسیاری از احساسات آدمی رخ می‌دهد و در ارتباطات غیرکلامی معانی بسیاری را دربر می‌گیرد.

نظامی در بیت زیر سرخ‌شدن چهره را در معنای شرم و خجالت به کار برده است:

زیست با او به ناز و کامه‌ی خویش

چون رخس سرخ کرد جامه‌ی خویش (همان: ۲۳۴)

همچنین براساس مباحث نشانه‌شناسی دلالت سرخ‌شدن چهره (دال) بر شرم و خجالت (مدلول) را با توجه به طبیعی‌بودن آن می‌توان از نوع دلالت غیرقراردادی قلمداد کرد.

ناحیه‌ی ابروها و پیشانی یکی دیگر از اعضای چهره است که پیام‌های بسیاری از جمله: ناخشنودی، علاقه‌مندی، تعجب، ترس، حیرت و... را همچون سایر اعضا منتقل می‌کنند. در واقع این ناحیه از چهره با حالاتی که به خود می‌گیرد (بالا رفتن، پایین‌افتادن، چین و چروک و...) در شرایط مختلف بیانگر یکی از احساسات درونی است.

به‌عنوان مثال در هفت‌پیکر در حکایت افسانه‌گفتن دختر پادشاه اقلیم هفتم به در هم رفتن ابروها به‌عنوان یکی از حرکات بدن در ارتباطات غیرکلامی که به معنای اخم و ناراحتی است اشاره می‌شود:

شد کنیزک نشست با یاران

بر دو ابرو گره چو غمخواران (همان: ۳۰۵)

درواقع این حالات و حرکات، به‌طور مشترک میان انسان‌ها قابل درک و دریافت هستند. بنابراین براساس مباحث نشانه‌شناسی و طبقه‌بندی رمزگان توسط چندلر^۱، می‌توان این حالت در هم رفتن ابروها را جزئی از طبقه‌ی رمزگان بدنی که زیرمجموعه‌ی رمزگان اجتماعی است دانست و همچنین رابطه‌ی که می‌توان میان این دال (درهم‌رفتن ابروها) و مدلول (اخم و ناراحتی) متصور شد از نوع رابطه‌ی طبیعی و غیرقراردادی است.

لب به دندان گزیدن یکی دیگر از حرکات غیرکلامی مربوط به رفتار چهره است که معانی گوناگونی همچون: استرس، ترس، تنش، تمرکز بالا و... از آن دریافت می‌شود. نظامی نیز در بیت زیر این حرکت غیرکلامی را در معنای افسوس و پشیمانی به کار برده است:

لب به دندان گزیدنم تا چند؟

وآب دندان مزیدنم تا چند؟ (همان: ۱۷۵)

دانست. به علاوه رابطه‌ی میان دال (جامه‌ی نو بر تن کردن) و مدلول (شادی و خوشی) نیز رابطه‌ی قراردادی می‌باشد.

از دیرباز در بسیاری از اعتراضات و شورش‌ها انسان‌ها به نشانه‌ی تظلم و دادخواهی جامه‌ی خود را به رنگ خون سرخ می‌کردند. نظامی نیز در حکایت افسانه‌گفتن دختر پادشاه اقلیم چهارم به این حرکت غیرکلامی اشاره می‌کند:

جامه را سرخ کرد کاین خون است

وین تظلم ز جور گردون است (همان: ۲۲۵)

در مباحث نشانه‌شناسی، رابطه‌ی شمایی در طبقه‌بندی پیرس رابطه‌ی است که در آن میان موضوع و باز نمود شباهت و ویژگی‌های مشترکی وجود دارد. بنابراین در بیت فوق نیز با توجه به سرخ‌کردن جامه به نشانه‌ی خون‌خواهی و تظلم و شباهت آن به رنگ خون، میان موضوع و باز نمود آن رابطه‌ی شمایی استوار می‌باشد.

۳،۲ حرکات سر

یکی از حرکات سر که در هفت‌پیکر به معنا و مفهوم پنهان‌شدن به کار رفته لفظ سر درکشیدن است. این حرکت غیرکلامی که در حکایت نشستن بهرام روز شنبه در گنبد سیاه و افسانه‌گفتن دختر پادشاه اقلیم اول بدان اشاره شده است، براساس مبحث نشانه‌شناسی به صورت ضمنی و زیرمعنا سعی در انتقال پیام مورد نظر خود به مخاطب دارد.

مدتی گشت ناپدید از ما

سر چو سیمرغ درکشید از ما

(همان: ۱۴۹)

درواقع در این دلالت ضمنی، دلالت صریح (دال اول و مدلول) به عنوان دال است و مدلول نیز پنهان‌شدن و همچنین رابطه‌ی میان دال و مدلول رابطه‌ی غیرقراردادی است.

در مقابل، لفظ سر برآوردن است که معانی بسیاری از آن درک و دریافت می‌شود اما معنای مورد نظر نظامی از این عبارت در بیت زیر ظاهر شدن است:

کانچنان است حکم هفت اختر

کاین جهانجوی چون برآرد سر (همان: ۷۸)

این حرکت غیرکلامی در بیت فوق به گونه‌ای کنایی مورد استفاده قرار گرفته و کنایه نیز یکی از معانی ضمنی در مباحث نشانه‌شناسی است. بنابراین در این بیت نیز همچون بیت پیشین میان دال و مدلول نشانه، دلالت ضمنی استوار می‌باشد همچنین رابطه‌ی میان آن دو نیز غیرقراردادی است.

۳،۳ رفتار چهره

چهره‌ی هر فرد به طور کامل گویای احساسات و عواطف درونی وی می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که حالات مختلف چهره نشانه‌های بسیاری از احساسات افراد در اختیار ما قرار

¹ Chandler

لبخند نیز یکی از قابل تشخیص‌ترین حالات چهره نسبت به حالات دیگر است که در تمامی فرهنگ‌ها و جوامع مختلف پیامی یکسان دارد. این ویژگی آدمی علاوه بر تأثیرات مثبتی که بر جسم و روان انسان می‌گذارد در ارتباطات غیرکلامی نیز به همان میزان مؤثر است. از جمله پیام‌هایی که به صورت غیرکلامی از لبخندزدن دریافت می‌شود، می‌توان به عدم اضطراب، اعتمادبنفس، علاقه‌مندی و... اشاره کرد.

در بیت زیر نیز شاعر به نوعی از خنده اشاره می‌کند که به معنای تبسم و لبخند است و در واقع خنده شیرین و خوشایندی است که در مواجهه با امور خوشایند بر روی لب ظاهر می‌شود:

او در آن لعبتان شکر خنده

وانهمه پیش او پرستنده (همان):
(۷۸)

در این بیت نیز همان‌گونه که عنوان شد نوعی دلالت ضمنی وجود دارد. به عبارت دیگر لفظ شکرخنده دال اول است که به مدلول لبخند و تبسم دلالت می‌کند. بدین ترتیب این دال و مدلول، به‌عنوان دال دوم (دلالت صریح) بر مدلول خوشایندی و علاقه‌مندی ارجاع می‌دهد. به گونه‌ای که این دلالت صریح و مدلول دوم (خوشایندی و علاقه‌مندی) همان دلالت ضمنی و دلالت آن نیز از نوع طبیعی و غیرقراردادی است.

۳، ۴ حرکات دست و پا

دست‌دادن افراد با یکدیگر، نوعی از ارتباطات غیرکلامی است که همچون سایر حرکات بدن، حامل پیام‌های گوناگون بدون انتقال کلام و سخن می‌باشد. انسان‌ها هنگام برخورد با یکدیگر، سلام و خداحافظی کردن، بروز احساس و هیجان و... از این حرکت استفاده می‌کنند. همچنین می‌توان به وسیله‌ی این حرکت از بسیاری از احساسات درونی طرف مقابل (اعتماد به نفس، استرس و...) آگاه شد.

دست دادن گاهی به نشانه‌ی بستن عهد و پیمان میان افراد است. درواقع هنگامی که دو یا چند نفر بر سر موضوعی به توافق می‌رسند به نشانه‌ی موافقت با یکدیگر دست می‌دهند:

گر وفا می‌کنی بدین فرمان

دست عهدی بده به این پیمان (همان):
(۲۵۳)

بنابراین باتوجه به روابطی که بر اساس مباحث نشانه‌شناسی میان موضوع (بستن عهد و پیمان) و باز نمود (دست‌دادن) برقرار است می‌توان رابطه‌ی میان آن‌ها را رابطه‌ای نمادین دانست. همچنین براساس اینکه این حرکت غیرکلامی (دست‌دادن) به عنوان یک رمزگان، میان انسان‌ها مشترک است می‌توان رابطه‌ی میان دال و مدلول را در این بیت قراردادی دانست.

دست بر شقیقه نهادن، یکی از حرکات دست است که در ارتباطات غیرکلامی به معنا و مفهوم تفکر و اندیشه در امری به کار می‌رود.

بر اساس طبقه‌بندی بارت، رمزگان این نشانه را می‌توان از نوع رمزگان‌های فرهنگی و دال‌ها محسوب کرد؛ زیرا این دال (لب به دندان گزیدن) معنایی ضمنی ایجاد می‌کند که سبب درک و دریافت بهتر مقصود شاعر می‌شود و دلالتی که می‌توان به واسطه‌ی رابطه‌ی دال و مدلول بدان اشاره کرد دلالتی طبیعی و غیرقراردادی است.

نحوه‌ی تنفس هر فرد در ارتباطات غیرکلامی می‌تواند حامل معنای گوناگونی باشد. این نحوه‌ی تنفس که شامل ریتم، سرعت و تعداد تنفس است در هنگام برقراری ارتباط، مخاطب را از آنچه در درون و ذهن فرد می‌گذرد آگاه می‌سازد. به‌عنوان مثال، هنگام عصبانیت یا آشفتگی، تنفس فرد کوتاه و سریع می‌شود. همچنین تنفس عمیق و سریع می‌تواند نشانه‌ی رسیدن به یک نتیجه‌ی موفقیت‌آمیز پس از ابهام و سردرگمی باشد.

در بیت زیر به نوعی از تنفس اشاره می‌کند که به معنای خوشحالی از انجام کاری است و بر اساس روابط همنشینی در مباحث نشانه‌شناسی می‌توان گفت که این نوع تنفس در ارتباط با کلمات و اصطلاحات پیش و پس از خود معنا می‌یابد. به عبارت دیگر تا زمانی که این کلمات کنار یکدیگر قرار نگیرند نمی‌توان به معنای درست آن‌ها پی برد:

می‌زد از زهت شکار نفس

منذرش پیش بود و نعمان پس

(همان: ۷۰)

در بیت فوق نفس‌زدن دالی است که به مدلول خوشحالی و سرور دلالت می‌کند و با توجه به اینکه این حرکت غیرکلامی به صورت ناخودآگاه و غیر ارادی در بدن اتفاق می‌افتد می‌توان رابطه‌ی میان دال و مدلول را طبیعی و غیرقراردادی دانست.

ریشخند کردن، یعنی حالتی که در آن صورت و دهان فرد به سمت پایین کج می‌شود نوعی از خندیدن است که به آن پوزخند نیز گویند و در ارتباطات غیرکلامی معنای بسیاری همچون: اهانت، عدم پذیرش سخنان طرف مقابل و مخالفت با وی و... می‌توان از آن دریافت کرد. نظامی نیز در بیت زیر از حکایت افسانه‌گفتن دختر پادشاه اقلیم هفتم، آنجا که زیبایی ماهرویان باغی را که خواجه در آن وارد شده بود توصیف می‌کند این نوع از خنده را در معنای تمسخر به کار می‌برد:

ساعتی دست بند می‌کردند

بر سمن ریشخند می‌کردند

(همان: ۳۰۰)

در این بیت نیشخند کردن نشانه‌ای است که به صورت کنایه به کار رفته است و دلالتی ضمنی دارد. به عبارت دیگر همان‌گونه که در مباحث پیشین عنوان شد در این نشانه تغییر شکل صورت و دهان دالی است که به مدلول خندیدن دلالت می‌کند و این همان دلالت صریح است. در عین حال این دلالت صریح (دال و مدلول اول) به‌عنوان دال به مدلول تمسخر کردن اشاره می‌کند و دلالت آن نیز از نوع دلالت قراردادی است.



این بانگ و نعره‌زدن دالی است که مدلول‌های متفاوتی از آن درک و دریافت می‌شود؛ یعنی علاوه بر خشم و عصبانیت که در بیت فوق بدان اشاره شد، معانی متفاوتی همچون بهت حیرت و... نیز از آن می‌توان استنباط کرد. همچنین با توجه به اینکه این رفتار آوایی کاملاً ناخودآگاه روی می‌دهد؛ بنابراین رابطه‌ی میان دال(بانگ و نعره‌زدن) و مدلول(خشم و عصبانیت) در بیت فوق رابطه‌ی طبیعی و غیرقراردادی است.

نوعی دیگر از آوا و لحن صدا که نظامی نیز در ابیات زیر آن را به کار برده ناله و زاری کردن است. این رفتار آوایی در ارتباطات غیرکلامی بیانگر درماندگی، بی‌نواهی و نهایت درد و رنج می‌باشد:

گاهی از دست دیده نالیدم

گاه بر دیده دست مالیدم (همان):

(۲۵۱)

سجده کرد و زمین به خواری رفت

با کس بی‌کسان به

زاری گفت (همان: ۲۶۵)

بر اساس روابط جانشینی در مبحث نشانه‌شناسی که بیان می‌کند این نوع روابط به دال‌هایی که در متن حضور ندارند مربوط می‌شود، بنابراین می‌توان چنین گفت که در این ابیات روابط جانشینی حاکم است. همچنین میان دال و مدلول این نشانه نیز دلالتی طبیعی و غیرقراردادی برقرار است.

۳،۶ حرکات کلی بدن

در بسیاری از موارد، نشانه‌ها دست به دست هم می‌دهند و به شکل گروهی پیامی را به صورت غیرکلامی منتقل می‌کنند. در واقع برای آگاهی از معنا و مفهوم بسیاری از حرکات و حالات بدن باید تمامی این حرکات و حالات را هم‌زمان مورد بررسی قرار داد.

نظامی نیز در تعدادی از ابیات هفت‌پیکر بسیاری از حالات بدن را به صورت گروهی برای انتقال پیام به کار برده است.

تعظیم‌کردن در مقابل کسی یا چیزی که به معنای خم‌شدن قسمت بالای بدن است یکی از حرکات کلی بدن در ارتباطات غیرکلامی است که به مدلول ادای احترام و تکریم دلالت می‌کند و در گذشته کاربرد فراوانی داشته است؛ به‌گونه‌ای که در بسیاری از متون ادبی و کلاسیک و آثار شاعران و نویسندگان قرون گذشته به کار رفته است. نظامی نیز در تعدادی از ابیات هفت‌پیکر به شکل‌های گوناگون و با استفاده از اصطلاحات مختلف به آن اشاره می‌کند:

بر زمین بوسه داد و برد نماز

گفت کای شهریار بنده‌نواز (همان: ۱۱۴)

در این بیت، نماز بردن اصطلاحی است که به شکل زیرمعنا گویای مفهوم احترام و تکریم می‌باشد. به علاوه همان‌گونه که پیش از این عنوان شد گاهی ممکن است به مرور زمان میان دال و مدلول هماهنگی وجود نداشته باشد یا به عبارت دیگر مدلول ثابت بماند درحالی‌که دال متغیر باشد؛

در بیت زیر هنگامی که شاه بهرام از ظلم و ستم وزیر خود نسبت به مردم مظلوم باخبر می‌شود به نشانه‌ی تفکر و اندیشه دست بر شقیقه‌ی خود می‌گذارد:

چون ز کار وزیرش آمد یاد

دست از اندیشه بر شقیقه نهاد (همان: ۳۴۶)

در این حرکت که به سر به‌عنوان محل و مرکز تفکر و اندیشه اشاره می‌شود باز نمود به نوعی با مانند خود در ارتباط است. بنابراین رابطه‌ای که میان موضوع(تفکر و اندیشه) و باز نمود(دست بر سر نهادن) برقرار است رابطه‌ی نمایه‌ای و دلالت‌دال(دست بر شقیقه نهادن) بر مدلول(تفکر و اندیشه) غیر قراردادی است.

همان‌طور که پیش از این اشاره شد به میزانی که اندام‌ها از مغز فاصله داشته باشند به همان میزان، تسلط و کنترل ما نسبت به حرکات آن‌ها کمتر و در نتیجه حرکاتشان ناخودآگاهانه‌تر است. حرکات پا نیز با توجه به فاصله‌ی زیادی که از مغز دارند می‌توانند معیار مناسبی برای درک احساسات درونی افراد باشند.

گاهی بهت و حیرت در اثر دیدن یا شنیدن چیزی سبب سست شدن پا و عدم حرکت می‌شود. در واقع سست شدن پا به‌صورت غیرکلامی پیام حیرت و شگفتی را منتقل می‌کند. در هفت‌پیکر در حکایت افسانه‌گفتن دختر پادشاه اقلیم سوم هنگامی که بشر دختر زیبارو را می‌بیند از شدت بهت و شگفتی پاهایش سست می‌شود و از حرکت باز می‌ایستد:

بشر کان دید سست شد پایش

تیر یک زخمه

دوخت بر جایش (همان: ۱۹۹)

بر این اساس می‌توان گفت که این نیز یکی از حالات و حرکات طبیعی بدن در برابر رخدادهاست و با توجه به طبیعی بودن رابطه‌ی میان دال(سست شدن پا) و مدلول(شگفتی و حیرت)، دلالت آن را می‌توان غیرقراردادی به شمار آورد.

۳،۵ رفتار آوایی

همیشه حرکات و حالات بدن حامل معنا و مفهوم در ارتباطات غیرکلامی نیستند. گاهی لحن و آهنگ صدا نیز می‌تواند به صورت غیرکلامی احساسات و هیجانات درونی را به مخاطب منتقل کند. این رفتار آوایی که شامل لحن صدا، سرعت ادای کلمات و... است علاوه بر اینکه به تنهایی می‌تواند ناقل پیام و محتوا باشد به عنوان تکمیل‌کننده‌ی پیام به صورت غیرکلامی نیز کاربرد دارد.

نظامی در بیت زیر بانگ و نعره‌زدن را به‌عنوان یک رفتار آوایی در ارتباطات غیرکلامی به کار برده است و این در حالی است که این بانگ و نعره‌زدن به‌عنوان یک مکمل در کنار کلام و سخن نمود خشم و عصبانیت است:

بشر بانگی بر او زد از سر هوش

گفت با حکم کردگار مکوش

(همان: ۲۰۳)

نویسندگان و شاعران از گذشته تا کنون به طرق مختلف آن را در متون و آثار خود به کار می‌برند. نظامی نیز از این قاعده مستثنی نیست و در جای جای هفت‌پیکر به این حرکت اشاره می‌کند:

آن کزان جمله گوی دانش برد

بر سر نامه بوسه داد و سپرد

(همان: ۸۵)

بر کفل‌گاه گور شد تیرش

بوسه بر خاک داد نخچیرش

(همان: ۱۰۸)

با توجه به اینکه این حرکت غیرکلامی در این ابیات به نوعی جزیی از آداب و آیین قرون گذشته است، بنابراین می‌توان آن را از طیفه‌ی رمزگان‌های رفتاری محسوب کرد. دلالت میان دال (بوسه‌زدن) و مدلول (ارزشمندی) نیز از نوع دلالت قراردادی است.

در حکایت افسانه‌گفتن دختر پادشاه اقلیم ششم آن جا که شاه از بهبودیافتن دختر خویش باخبر می‌شود نظامی به یکی از حرکات بدن در معنای شادی و خوشحالی اشاره می‌کند:

شه که این مژده‌اش به گوش رسید

پای بی کفش در

سرای دويد (همان: ۲۸۶)

دویدن در این بیت به گونه‌ای غیرکلامی به مدلول شادی و خوشحالی دلالت می‌کند و دلالت آن نیز از نوع غیرقراردادی است؛ این در حالی است که با توجه به آنچه در مبحث نشانه و نشانه‌شناسی عنوان شد، به وسیله‌ی سایر حرکات و حالات بدن می‌توان دلالت دال به این مدلول را درک و دریافت کرد. به عبارت دیگر همان‌گونه که پیش از این گفته شد یک نشانه به تنهایی حامل معنا و مفهوم نیست بلکه در ارتباط با سایر نشانه‌هاست که می‌توان به معنا و محتوای هر نشانه دست یافت.

نظامی، در زدن را در معنای طلب‌کردن کسی یا چیزی به‌عنوان نشانه و حرکت غیرکلامی در بیت زیر از حکایت فرجام کار بهرام و ناپدیدشدن او در غار به کار برده است:

یا دری زن که قحط نان نبود

یا چنان شو که کس چنان نبود

(همان: ۳۵۶)

در این نشانه که فرد بدون انتقال کلام و سخن، پیام مورد نظر را به مخاطب منتقل و بدین گونه با وی ارتباط برقرار می‌کند، در زدن به معنای درخواست کردن و به‌عنوان یک کد و قانون مشترک میان انسان‌ها پذیرفته شده است. بنابراین در بیت فوق در زدن که یک رمزگان اجتماعی است و دال نشانه محسوب می‌شود به صورت قراردادی به مدلول طلب و درخواست دلالت می‌کند.

با توجه به آنچه در این پژوهش مشاهده شد، ارتباطات غیرکلامی بسیار گویاتر و تواناتر از ارتباطات کلامی در انتقال

عکس آن نیز صادق است. به‌عنوان مثال در بیت فوق اصطلاح نماز بردن به‌عنوان دال در گذشته به جای عبارت تعظیم‌کردن به کار می‌رفته است. همچنین با توجه به اینکه این حرکت غیرکلامی به‌عنوان یک آداب و آیین مشترک میان جوامع گذشته کاربرد داشته و توسط انسان‌ها وضع شده است بنابراین رابطه‌ای که می‌توان میان دال (نماز بردن) و مدلول (ادای احترام) متصور شد رابطه‌ای قراردادی می‌باشد.

در روابط بینامتنی‌گرایی، یک متن همواره با متون دیگر به طرق مختلف در ارتباط و تعامل است. در واقع با استفاده از تحلیل بینامتنی می‌توان یک متن را با توجه به متون دیگر مورد بررسی قرار داد و همچنین نشانه‌های موجود در آن‌ها را که به نوعی با یکدیگر در تعامل هستند تفسیر و تحلیل کرد.

در بیت زیر نظامی با توجه به مسأله‌ی بینامتنی و به وسیله‌ی یکی از حرکات و حالات بدن به صورت غیرکلامی معنا و مفهوم مورد نظر خود را به مخاطب منتقل می‌کند:

خیز تا در تو یک نظاره کنند

هم کف و هم ترنج پاره کنند (همان:

۱۰)

بیت فوق، با استفاده از روابط بینامتنی و تلمیح به داستان یوسف (ع) و زلیخا، به معراج پیامبر اشاره می‌کند. به عبارت دیگر برای اشاره به شدت حیرت و شگفتی در این بیت، به نشانه‌ی موجود در داستان یوسف و زلیخا و با استفاده از روابط میان آن‌ها به القای مفهوم مورد نظر خود می‌پردازد. بنابراین در بیت بالا که به صورت غیرکلامی بریدن دست را در معنای شگفتی و حیرت به کار برده است، با توجه به مبحث نشانه‌شناسی میان دال (پاره کردن کف و ترنج) و مدلول (شدت حیرت و شگفتی) به علت غیرارادی و ناآگاهانه‌بودن این حرکات، رابطه‌ای غیرقراردادی استوار است.

نظامی در خطبه‌ی عدل بهرام گور به یکی دیگر از حالات بدن اشاره می‌کند که بدون انتقال سخن و کلام بی‌توجهی و عدم اعتنا نسبت به کسی یا چیزی که در مقابل او این حرکت انجام می‌شود را نشان می‌دهد:

پشت بر نعمت خدا نکند

شکر نعمت کنم چرا نکند؟

(همان: ۹۹)

بر اساس نظریه‌ی پیرس، باز نمود که در این بیت پشت بر نعمت خدا کردن است به موضوع یا ابژه‌ی نخواستن و عدم اعتنا به نعمت خدا ارجاع می‌دهد. بنابراین به وسیله‌ی این ارجاع می‌توان به یک تفسیر دست یافت. همچنین با توجه به طبقه‌بندی پیرس برای انواع رابطه میان باز نمود یا ابژه، رابطه‌ی میان پشت بر نعمت خدا کردن و بی‌توجهی به آن رابطه‌ای نمایه‌ای است.

بوسه‌زدن بر خاک، نامه و... حرکتی است که از دیرباز توسط انسان‌ها صورت گرفته است. این حرکت غیرکلامی که به معنا و مفهوم ارزشمندی چیزی است که بر آن بوسه زده می‌شود، به گونه‌ای مورد توجه بوده است که بسیاری از

یافت می‌شوند. در این پژوهش بر اساس تحلیل ارتباطات غیرکلامی از منظر علم نشانه‌شناسی تمامی حرکات غیرکلامی موجود در هفت‌پیکر نظامی از صافی بسیاری از مبانی و اصول علم نشانه‌شناسی نیز عبور داده شده است.

با توجه به بررسی ابیات، براساس روابط میان دال و مدلول نتایج به‌عمل‌آمده نشان می‌دهد که در بخش حرکات و حالات کلی بدن رابطه‌ی میان دال و مدلول اغلب به صورت قراردادی به کار رفته است.

رمزگان‌ها نیز با توجه به اینکه قوانین و تجربه‌های مشترک افراد یک جامعه می‌باشند در بحث نشانه‌ها از اهمیت به‌سزایی برخوردار هستند. بنابراین در هفت‌پیکر نیز بسیار مورد استفاده قرار گرفته‌اند بدین گونه که براساس طبقه‌بندی چندلر، رمزگان موجود در اغلب ابیات هفت‌پیکر از نوع رمزگان اجتماعی و از زیرمجموعه‌ی این رمزگان می‌باشند. بدین ترتیب در بخش حرکات سر، حرکات دست و حالات کلی بدن رمزگان رفتاری کاربرد داشته است. این آمار به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که نظامی به آداب و آیین عامه اهمیت فراوانی قائل بوده است و جنبه‌های بسیاری از آداب و رسوم را در شعر خود منعکس می‌کند. توجه نظامی به رابطه‌ی نمایه‌ای (براساس طبقه‌بندی پیرس) نشان‌دهنده‌ی اهمیت ویژه‌ی شاعر به نشانه‌های طبیعی است.

نکته‌ی دیگر اینکه نشانه‌های مورد استفاده‌ی نظامی در هفت‌پیکر، بیشتر در حوزه‌ی حرکات و اغلب به صورت اصطلاح یا عبارت هستند. علاوه بر این باتوجه به اینکه روابط همنشینی میان اصطلاحات و کلمات در ابیات هفت‌پیکر بیشتر از روابط جانشینی است بنابراین می‌توان چنین گفت که این اصطلاحات به صورت خطی در ارتباط با کلمات قبل و بعد از خود هستند.

براساس آنچه مطرح شد و با توجه به تحقیقات و بررسی‌های صورت‌گرفته و نتایج حاصل از آن به طور کلی می‌توان چنین اذعان کرد که ارتباطات غیرکلامی می‌تواند با علم نشانه‌شناسی پیوند و وابستگی گسترده و آشکاری داشته باشد و همچنین نشانه‌شناسی به‌عنوان یک دانش نوپا به وسیله‌ی اصول و قوانین خود و با کمک به دانش زبان بدن در انتقال و تفهیم مفاهیم و پیام‌های غیرکلامی به مخاطب مؤثر بوده و می‌تواند به‌عنوان یک دانش کمکی و همچنین به‌عنوان یک رابط برای برقراری ارتباط میان پژوهش‌های صورت‌گرفته توسط محققان و دانشمندان در زمینه‌های مختلف علمی عمل کند.

زبان‌ها (متن‌پژوهی ادبی)، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۶۵، صص ۱۰۰-۷۹.

پی، ویرجینیا؛ ریچموند جیمز سی، مک کروسکی (۱۳۸۸)، رفتار غیرکلامی در روابط میان‌فردی، ترجمه فاطمه سادات موسوی؛ ژبلا عبدالله پور، چاپ دوم، تهران: دانژه.

پیز، آلن (۱۳۸۹)، زبان بدن، ترجمه سعیده لرپری زنگنه، چاپ هفتم، تهران: نشر جانان.

معانی عمل کرده و توانسته است مفاهیم مورد نظر شاعر را در منظومه‌ی هفت‌پیکر به گونه‌ای نمایان و ملموس به مخاطب منتقل کند. علاوه بر این وجود دانش دیگری همچون نشانه‌شناسی که آن نیز به نوبه‌ی خود در تفهیم هرچه بهتر و رساتر معانی و مفاهیم گامی اساسی برداشته است در کنار زبان بدن، زوایا و نکات بسیاری از این اثر رمزی (هفت‌پیکر) را برای خوانندگان و مخاطبان آشکار می‌کند.

۴ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که هفت‌پیکر از منظر ارتباطات غیرکلامی بیشتر به حرکات و حالات کلی بدن پرداخته است. با توجه به اینکه کدام حرکات و حالات بیشترین کاربرد را در زمان نظم هفت‌پیکر داشته میزان توجه و پرداختن به آن نیز در این منظومه فراوان بوده است.

براساس نتایج به‌دست‌آمده، ارتباطات غیرکلامی که در هفت‌پیکر بدان پرداخته شده است اغلب به گونه‌ای هستند که معانی متفاوتی از آن‌ها درک و دریافت می‌شود و این خود به نوعی هنر نظامی در بسط و گسترش مفاهیم و واداشتن خواننده و مخاطب به تلاش فکری جهت فهم محتوای پیام‌های غیرکلامی است.

بیشترین جنبه‌های ارتباطات غیرکلامی در هفت‌پیکر وابسته به باورهای جامعه‌ی آن زمان هستند. بنابراین به صورت فرهنگی و اجتماعی و به شکل حرکات بدنی و اغلب به شیوه‌ها و روش‌های مختص به جامعه‌ی آن دوران به کار گرفته شده‌اند.

در بخش رفتار چهره، رفتار آوایی و حرکات دست، به حالات و حرکات طبیعی بدن اشاره شده است که این می‌تواند بیانگر اهمیت و توجه شاعر به احساسات درونی و هیجانات ذاتی و همچنین تلاش وی برای نشان‌دادن عمق مفاهیم و پیام‌های مورد نظر خود و تفهیم بهتر مخاطب است.

با توجه به بررسی‌هایی که در این مقاله صورت گرفت و مقایسه‌ی نتایج به‌دست‌آمده با نتایج سایر پژوهش‌های مرتبط با موضوع نشانه‌شناسی و ارتباط غیرکلامی می‌توان به این نتیجه دست یافت که در یک اثر نمادین و رمزی همچون هفت‌پیکر توجه به نشانه‌ها و زبان بدن به عنوان پلی برای برقراری ارتباط، نکته‌ای اساسی و مهم بوده است. بدین‌گونه نشانه‌هایی که منجر به ارتباط غیرکلامی می‌شوند در این اثر به وفور

منابع

استم، رابرت؛ و دیگران، «خاستگاه‌های نخستین نشانه‌شناسی»، فصلنامه هنر، ۱۳۸۳، شماره ۵۹، صص ۲۷-۳۲.

بارت، رولان، «اسطوره در زمانه حاضر»، ارغنون، پاییز ۱۳۸۰، شماره ۱۸، صص ۸۵-۱۳۵.

باقری خلیلی، علی اکبر؛ مرضیه زلیکانی، «تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی»، ادبیات و

زمستان ۱۳۸۸ و بهار و تابستان ۱۳۸۹، سال پنجم و ششم، شماره ۹، جلد دوم، صص ۴۶۲-۴۲۹.

قائم‌نیا، علیرضا، «نشانه‌شناسی و فلسفه زبان»، ذهن، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۲۷، صص ۲۴-۳.

قبادی، علیرضا؛ مسعود زارع مهرجردی، «ارتباطات غیرکلامی در شعر حافظ»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، زمستان ۱۳۹۴، دوره هشتم، شماره ۱، صص ۱۵۴-۱۱۹.

مجدنیا، مجید، «تأثیر ارتباطات غیرکلامی در روابط میان‌فردی»، مجله علوم اجتماعی، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۱۷۴-۱۵۹.

مهرگان، آروین (۱۳۹۲)، فلسفه نشانه‌شناسی، چاپ اول، اصفهان: نشر فردا.

نجومیان، امیرعلی (۱۳۹۵)، نشانه‌شناسی (مقالات کلیدی)، چاپ اول، تهران: مروارید.

نفیسی، سعید (۱۳۸۰)، دیوان قصاید و غزلیات نظامی گنجوی: شامل شرح احوال و آثار نظامی با مقدمه و حواشی و فهرست اعلام و تصحیح و مقابله از روی بیست و هشت نسخه، تهران: نشر فروغی.

نیکدار اصل، محمد حسین؛ محمدهادی احمدیانی پی، «تحلیل ارتباطات غیرکلامی در بوستان سعدی»، ادبیات و زبان‌ها (شعرپژوهی)، بهار ۱۳۹۵، شماره ۲۷، صص ۲۱۰-۱۸۱.

پیز، آلن و باربارا (۱۳۹۱)، زبان بدن، ترجمه مریم شفق، چاپ یازدهم، سمنان: نشر خلاق.

رضایی مهوار، میثم، «کارکرد نشانه‌شناسی فرهنگ و هنر در دیدگاه رولان بارت»، ۱۳۸۷، بی تا.

روان، عالییه (۱۳۸۹)، بررسی نظام نشانه‌های ارتباطات در هوانوردی: رویکردی نشانه‌شناختی، فرزانه سجودی، «پایان‌نامه منتشر شده»، کارشناسی ارشد، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور.

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲)، در جستجوی ناکجاآباد، چاپ اول، انتشارات سخن.

سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی کاربردی، چاپ اول، نشر علم.

سرفراز، حسین (۱۳۹۲)، نشانه‌شناسی فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

عطاشی، عبدالرضا؛ جعفر عموری، «بررسی دلالت‌های مفهومی - بلاغی زبان چشم در نهج البلاغه»، فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، تابستان ۱۳۹۶، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۶۲-۱۴۵.

فرهنگی، علی اکبر؛ حسین فرجی، «زبان بدن از نگاه مولانا در مثنوی معنوی»، پژوهشنامه فرهنگ و ادب،